

# نقدها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

## موضوع:

مقدمات؛ علم؛ وظایف و اعمال عالمان

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد

نویسنده: اصغرزاده

تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۴

من کتاب «بازگشت به اسلام» را مطالعه کردم و همه‌ی مطالب آن را معقول و مطابق با آیات و روایات متواتر یافتیم و اشکال خاصی در آن ندیدیم، ولی واقع مطلب، چندی پیش آن را به آیت الله ... [یکی از عالمان شیعه در ایران] که از اساتید بنده هستند نشان دادم تا نظر خود را درباره‌ی آن بگویند و ایشان به شدت آن را رد کردند و گفتند که این یک کتاب انحرافی است و لذا من به شک افتادم و حالا نمی‌دانم که آیا این یک کتاب انحرافی است و من متوجه انحرافات آن نمی‌شوم یا اینکه یک کتاب هدایت‌بخش و معرف اسلام حقیقی است و استاد بنده اشتباه می‌کند؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۴

برادر گرامی!

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

اولاً همان طور که بارها گفته شد، تقلید از عالمان به معنای پیروی کورکورانه و بدون دلیل از آنان خصوصاً در زمینه‌ی اعتقادات، جایی در اسلام ندارد؛ چرا که تنها مفید ظنّ است و ظنّ در اسلام معتبر شمرده نمی‌شود؛ چنانکه خداوند به صراحت فرموده است: **﴿إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾**<sup>۱</sup>؛ «هرآینه ظن چیزی را از حق کفایت نمی‌کند» و با این وصف، بر هر مسلمانی واجب است که خود درباره‌ی عقاید و احکام دینش تحقیق کند؛ به این معنا که سخنان گوناگون را درباره‌ی آن‌ها بشنود و از بهترینش پیروی نماید؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾**<sup>۲</sup>؛ «کسانی که سخنان را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده است و آنان همان خردمندانند». با این وصف، استفتاء

۱. یونس / ۳۶

۲. الزمر / ۱۸



شما از برخی اساتیدتان درباره‌ی کتاب «بازگشت به اسلام»، معنا ندارد و اخذ شما به فتوای آنان بی‌معناتر است؛ خصوصاً پس از حصول علم برای شما به درستی این کتاب؛ چراکه پیروی از آنان بعد از حصول علم، معقول نیست و از گناهان بزرگ در اسلام شمرده می‌شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾؛ «و اگر از خواهش‌های آنان پیروی کنی پس از اینکه تو را علم آمد، برای تو از جانب خداوند نه سرپرستی است و نه پشتیبانی» و فرموده است: ﴿وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾؛ «و اگر از خواهش‌های آنان پیروی کنی پس از اینکه تو را علم حاصل شد، بی‌گمان تو آن هنگام از ظالمان هستی» و فرموده است: ﴿وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ﴾؛ «و اگر از خواهش‌های آنان پیروی کنی پس از اینکه تو را علم حاصل شد، برای تو از جانب خداوند نه سرپرستی است و نه نگاهبانی».

ثانیاً همان‌طور که می‌دانید، ملاک درستی یک کتاب، مطابقت آن با نظر اساتید شما نیست، بل مطابقت آن با کتاب خدا و سنت متواتر پیامبر در روشنایی عقل سلیم است که با نظر اساتید شما ملازمه‌ای ندارد؛ بل در این صورت عدم مطابقت آن با نظر اساتید شما، بر نادرستی نظر اساتید شما دلالت می‌کند و مقتضی تردید شما در صلاحیت علمی یا اخلاقی آنان است؛ به این معنا که باید احتمال بدهید بر خلاف پندار شما، یا اساتیدتان از لحاظ علمی به قدری ناتوان هستند که درستی کتابی معقول و مطابق با آیات و روایات متواتر را درک نمی‌کنند و یا از لحاظ اخلاقی به قدری آلوده‌اند که دین خود را به دنیا فروخته‌اند و حق را فدای منافع خود یا حاکمان ستمگر ساخته‌اند؛ زیرا روشن است که حق با رجال شناخته نمی‌شود، بل این رجال اند که با حق شناخته می‌شوند و این از قواعد مهم در اسلام شمرده می‌شود.

ثالثاً نظر مخالف عالمان درباره‌ی هر چیزی معتبر باشد، درباره‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» معتبر نیست؛ چراکه این کتاب به انتقاد صریح از آنان و نفی مرجعیت و ولایت‌شان بر مردم پرداخته است و مخالفت آنان با آن به سادگی می‌تواند ناشی از همین رویکرد آن باشد، نه ناشی از ناسازگاری آن با عقل و شرع. این به آن معناست که عالمان مخالف با این کتاب، شدیداً متهم به کتمان حق به منظور حفظ موقعیت و منافع خود هستند و با این وصف، رجوع به آنان در خصوص این کتاب، کاملاً غیر عقلایی و بر خلاف حزم و احتیاط است.

رابعاً نظر مخالف برخی عالمان درباره‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، با نظر موافق

۱. البقرة / ۱۲۰

۲. البقرة / ۱۴۵

۳. الزعد / ۳۷

برخی دیگر از آنان درباره‌ی آن تعارض دارد و این تعارض، اعتبار آن را بیش از پیش ساقط می‌کند؛ زیرا روشن است که ترجیح نظر عالمان مخالف با این کتاب بر نظر عالمان موافق با آن، ترجیح بلا مرجح است؛ بل حق آن است که ترجیح مرجوح شمرده می‌شود؛ زیرا مسلماً نظر عالمان موافق با این کتاب، فارغ از مطابقت روشنی که با عقل و شرع دارد، بر خلاف موقعیت و منافع دنیوی آنان است و این نظر آنان را از هر گونه اتهام مبزأ می‌کند، در حالی که نظر عالمان مخالف با این کتاب - اگر بتوان آنان را عالمان نامید- فارغ از ناسازگاری روشنی که با عقل و شرع دارد، سازگار با منافع دنیوی آنان و طبقه‌ی حاکم است و این نظر آنان را در معرض انواع اتهام قرار می‌دهد.

خامساً روایات مشهوری در نکوهش عالمان آخر الزمان رسیده است که جایی برای حسن ظنّ به آنان در این گونه موارد باقی نمی‌گذارد؛ مانند اینکه آنان بدترین عالمان در زیر آسمان و کانون فتنه در میان مسلمانانند؛ به این معنا که فتنه از آنان آغاز می‌شود و به آنان باز می‌گردد؛ بلکه روایات فریقین در نکوهش عالمان بد متواتر است.

خداوند همه‌ی مسلمانان را از دام عالمان بد که امّ الفتنه در آخر الزمان و اسباب ضلالت و شقاوت‌اند، رهایی دهد و از عالمان خوب و پرهیزکار که آنان را به اجتهاد در دین به جای تقلید کورکورانه و زمینه‌سازی برای حکومت خداوند در زمین به جای حکومت زید و عمرو فرا می‌خوانند، بهره‌مند گرداند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصفان و نهادهای خراسانی  
 مجلس خبرگان رهبری تهران



۱. نگاه کنید به: الکافی للکلینی، ج ۸، ص ۳۰۸؛ ثواب الأعمال وعقاب الأعمال لابن بابویه، ص ۲۵۳ باب عقاب العلماء الفجرة؛ مکارم الأخلاق للطبرسی، ص ۴۵۰؛ کنز العمال للمتقی الهندی، ج ۱۰، ص ۲۰۵ باب فی آفات العلم و ج ۱۰، ص ۲۶۵ باب التحذیر من علماء السوء و ج ۱۱، ص ۱۸۱.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصفان و نهادهای خراسانی حفظه الله تعالى



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.